چرا حمایت از روحانی اقدامی عقلانی است

انتخابات ۹۶ و نقد به اصلاح‌طلبان

حمیدرضا جلایی‌پور . استاد دانشگاه و عضو شورای مرکزی اتحاد ملت

عکس: رئوفه رستمی، شرق

طرح بحث

همه از قرار اصلاح‌طلبان بـرای دفاع یکپارچه و یک‌صدا از روحانی به‌عنـوان کاندیـدای خـود در انتخابـات ۹۶ اطلاع داریـم، بعضی از تحلیلگـران در زمسـتان ۹۵ از این موضع انتقاد کردند. در این نوشـتار ابتدا بـرای نمونه نقد و مطالبات از اصلاح‌طلبان را (که از سـوی یکی از منتقدان بیان شـده) ذکر می‌کنم، سـپس دفاع خود را از موضع‌گیری اصلاح‌طلبان در حمایت بدون قید و شرط از روحانی مطرح خواهم کرد.

نقد اصلاح‌طلبان

این منتقد محترم می‌گوید: «هر جریان سیاسـی در عرصه سیاسـت خـود را با «مجموعه‌ای از ارزش‌ها» تعریـف می‌کند و با میزان پایبندی به همان ارزش‌ها هم ارزیابی می‌شـود. با پایین‌آمدن آسـتانه تحمل و دشوارترشدن حضور نیروهای شـاخص اصلاح‌طلب در قدرت سیاسی، نقش اصلاح‌طلبان در عرصه سیاسـت، به‌صورت طیفی از «کنشگر» به «حامی» تغییر کرده است. اصلاح‌طلبان هرچه بیشتر مجبورند در بازی انتخاب بین گزینه‌ها از «ارزش‌های» خود دسـت بکشند و به اشخاصی دورتر از شاخص‌های اصلاح‌طلبی راضی شوند، چراکه چهره‌های خوب و اسـتوار اصلاح‌طلبان امکان حضور ندارند و ضعیف‌ترها مانده‌اند! به همین منـوال جریان اصلاح‌طلبی هم مجبور شـده عیارهایش را پایین بیاورد و خود را هم‌سـطح کسـانی کند که حامی آنهاست، همان‌ها که در این سـال‌ها خیلی هم حاضر به سرشاخ‌شـدن با بخش‌های خاص نبوده‌انـد و به‌همین‌دلیل هم کمتر در خطر تحدید از طرف آنان بوده‌اند. این افـراد الگوی رفتار محافظه‌کارانه را به‌خوبـی آموخته‌اند، می‌دانند اصلاح‌طلبان مجبور به حمایت از آنها هسـتند، این حمایت را می‌گیرند و در عوض، رفتار محافظه‌کارانه پیشـه می‌کنند تا در سـاختار رسـمی بماننـد و در پـی آن با این رویکرد به‌تدریـج اصلاح‌طلبی را از مضمون تهی می‌کنند.

به‌عنوان نمونه برای عرایض بالا در عرصه انتخابات مجلس گذشته چهره‌های شـاخص اصلاح‌طلب مجبور شـدند به‌جای اینکه از «حق انتخاب‌شدن آزادانه همه شهروندان دفاع کنند»، عقب‌نشینی کنند و به این بیان برسـند که «به تجدید نظر شورای نگهبان خوش‌بین هستند». مثال دیگر ماجرای آقای احمدی‌نژاد اسـت، به‌جـای دفاع از حق یک شهروند - حتی شهروند مخالف عقاید ما- یعنی حق کاندیداتوری آقای احمدی نژاد، یا سکوت کنند یا از حذف رقیب خطرناک استقبال یا اینکه، در برابر نقطه‌ضعف‌های جدی نمایندگانی که با حمایت آنها به مجلس رفته‌اند، سـکوت کنند. آنها هیچ توضیحی درباره منطق راهیابی برخی از اعضا به فهرسـت انتخاباتی خود در شهر تهران جز روابط خانوادگی ندارند؛ اما اشتباهات و سیاسی‌کاری‌شـان را نمی‌پذیرند. به‌دلیل اتحاد سیاسـی با آقای هاشمی مشکلات آموزشـی در دانشگاه آزاد را مطرح نمی‌کنند. در برابر مواضع طیفی از نیروهایشـان در قضیه انتشـار نوار آقای منتظری سـکوت می‌کنند و خلاصه در همه ایـن موارد که برای بخش‌های مهمی از جامعه نقاط عطف مهمی بوده، «سیاسـی‌کاری» می‌کنند، نه کنـش اخلاق‌گرایانه و پایبند به ارزش‌های اصلاح‌طلبی در حوزه سیاست. با این شیوه بخش زیادی از جوانان را از دست می‌دهند، به تعبیر دکتر شـریعتی هرچه بیشـتر «حقیقت» را فدای «مصلحت» می‌کننـد. در نتیجه این سیاسـت، آنها «عملگرا» می‌شـوند. در چنین شـرایطی به میزانی که اصلاح‌طلبان، سرنوشت خود را «بی‌قیدوشرط» به عرصه انتخابات و «جریانی که حامی آن هسـتند» و بازی سیاسـی قدرت و نه بازی «اصولی و هویتی» آن گره بزنند، ارزیابی جامعه نسبت به آنها به‌مرور منفی‌تر خواهد شد و پایگاه‌های خود را به‌تدریج از دست خواهند داد. در این میان بازنمایی ضعیف از ارزش‌های اصلاح‌طلبی از سوی چهره‌هایی که اصلاح‌طلبان از آنها حمایت کرده‌اند، ازدست‌رفتن پایگاه‌ها را تسـریع خواهد کرد، این‌گونه اصلاح‌طلبان به جایی خواهند رسـید که دیگر انتخـاب آنها بین «بد» و «بدتر» بـرای جامعه بی‌معنا خواهد شـد. دیگـر «مصالحی» که آنها تشـخیص می‌دهند، به جهت تعارض با حقایقی که جامعه با آن درگیر می‌شـود، درک نخواهد شـد و آنهـا پایه‌های اجتماعی خود را از دسـت می‌دهنـد.و این به معنایِ بی‌معناشـدن سیاسـت خواهد بود و راه را برای پوپولیسـم به معنای منفی آن هموار خواهد کرد.

راه‌حل‌های منتقدان:

آنها بر این نظرند که حیات و ممات «اجتماعی» خود را به «انتخابات» گره نزنند و حتی در این فاصله زمانی کوتاه مانده تا انتخابات، درحالی‌که هیچ رقیب جدی‌ای هم مقابل آقای روحانی نیست، از او «بی‌قیدوشرط» حمایت نکنند و روی مواضع اصولی خود بایستند؛ برای مثال اگر دولت، بعد از فرجی‌دانا، در «حوزه دانشـگاه» عقب‌نشـینی کرده و از ظرفیت مجلس همسوتر جدید هم استفاده نکرده است، این رویکرد را نقد کنند و از دولـت بخواهند برنامه خود را برای تحقـق مطالبات تحقق‌نیافته دانشـجویان مانند فضای امنیتی موجود، پولی‌شدن دانشگاه و خدمات آموزشـی، جذب اسـتادان بی‌صلاحیت برای عضویت در هیئت علمی دانشـگاه‌ها، بی‌کیفیت‌شدن آموزش و... مشـخص کند. دانشگاه آزاد را نقد کنند و در کمترین مطالبه بخواهند مسـئله آموزشـی پیش‌آمده در تحصیلات تکمیلی دانشـگاه آزاد متوقف شـود. اگر دولت در این چهار سـال، در حوزه مسائل کارگران، معلمان و روزنامه‌نگاران، به شکل‌گیری اتحادیه‌های مستقل کارگری، معلمی و روزنامه‌نگاری کمکی نکرده، این عملکـرد دولت را نقد کـرده و اتحاد خود را با جامعـه مدنی پررنگ‌تر کنند. اگـر دولت به جوانان میدان نداده اعتراض کنند، درباره مسـائلی که در گفتمان آنها مغفول است حرف بزنند. کمی از عرش «گفت‌وگوی تمدن‌ها» به فرش «گفت‌وگو بر سر حداقل دستمزد» هم بیایند. به قول دکتر کاشی مسـئولیت کاستی‌های خود در این سـال‌ها را بپذیرند و به نقش خـود در پیدایش نقاط منفی وضعیت فعلی یا کم‌کاری‌هایشـان در واکنش به این وضع اعتراف کنند تا «خود ازدست‌رفته بازیابی شود». توجه داشته باشند «الان وقت خیلی از کارها نیست»، «نباید سیاه‌نمایی کرد» و باید با «همین که هسـت» بسـازیم. نتیجه اما این شد که وجود دوگانه‌سازی، برای بخش مهمی از جامعه معنای خود را از دست داده اسـت. بخش‌های مهمی از جامعه به این مسئله فکر می‌کنند که طرح این دست دوگانه‌ها بیشـتر «بهانه»هایی است برای تن‌ندادن به اصلاح و بازاندیشی عملکرد درون ساختار رسمی. همه ما وظیفه داریم که این نـوع رفتارها را با شـدت و حدت نقد کنیم؛ اما ایـن وظیفه نباید ما را از بازاندیشی نسبت به گذشته جریان اصلاح‌طلبی تاکنون بازدارد.

اصلاح‌طلبان از روی ناچاری از روحانی دفاع نمی‌کنند بلکه او را شایسته این سمت می‌دانند و اگر انتخابات در شرایط دیگری هم برگزار می‌شد باز اصلاح‌طلبان از روحانی دفاع می‌کردند. هدف دوم اصلاح‌طلبان استفاده از فرصت انتخابات برای «تقویت پایگاه مردمی» اصلاحات است. تقویت این حمایت اجتماعی از امور حیاتی و متوازن‌کننده در سال‌های حساس پیش‌رو است

چه می‌گویم

پاسـخ نگارنده به انتقاد منتقدان در گروه‌های تلگرامی را در سطح ملی مطـرح می‌کنم. مردم می‌داننـد اصلاح‌طلبـان و رئیس‌جمهور دوران اصلاحات، حتی یک قدم هم عقب ننشسـته‌اند. به این علت که حداقلی‌شـدن مطالبات اصلاح‌طلبان مربوط به شرایط ناشی از شرایط اسـت و نه بی‌غیرتی اصلاح‌طلبان. حتـی مردمی که حامی اصلاحات هسـتند، استحکام روحانی را در رویارویی با «برجام‌ستیزان» می‌ستایند. توجه داشته باشـیم که رکورد شفاف‌سـازی امور در دولت روحانی از زمان اصلاحات بیشتر شده است. با توجه به بحث فوق، راجع به راه‌حل منتقدان و راه‌حل نگارنده قضاوت کنیم. منتقدان می‌گویند انتخابات را مرگ و حیات نکنیم. خب تصـور کنید اصلاح‌طلبان در انتخابات چنین کردند! بعدش چه می‌شـود؟ یعنی مردم را رها کنیم و دولت روحانی را در برابر کاندیدای تندروها بدون حامی بگذاریم؟ بعد چه می‌شـود؟ روحانی با «رأی کم» رئیس‌جمهور می‌شـود! آن وقت قرار است طبق نظر منتقدان اصلاح‌طلبان فتیله مطالبات را بالا ببرند! سـؤالی که باید از منتقدان بالا پرسید این است که در آن شرایط چرا دولت روحانی باید ارزشی برای مطالبات اصلاح‌طلبان قائل شوند؟! به پیشنهاد نگارنده که حمایت بی‌دریغ از روحانی اسـت توجه کنید که سراسر «برکت» است. اصلاح‌طلبان بـا دفاع از روحانی در جریان انتخابـات پایگاه اجتماعی خود را تقویت می‌کنند، او را وسط صحنه انتخابات و در برابر شگردهای تندروها تنها نمی‌گذارند. وقتی هم پیروز شد، اصلاح‌طلبان می‌توانند در تعامـل نیروهای جامعه مدنی با دولت و حکومت، به صورت مؤثرتری عمـل کننـد؛ بنابراین من معتقدم اگـر اصلاح‌طلبـان، محکم و بدون شرمندگی و شـرط‌گذاری از روحانی دفاع کنند، مطالبات درستی که در نقد قبلی طرح شـد- که همان مطالبات اصلاح‌طلبان نیز هست- بهتر پیگیری می‌شـود. توجه داشته باشـید که پویایی اصلاحات در جامعه مدنی ایران در این شـرایط، همان خصیصه‌ای اسـت کـه در ماه‌های پیـش‌رو دوباره عرصه عمومی ایران را جذاب و تماشـایی می‌کند. اوج سـادگی اسـت که اصلاح‌طلبان منزه‌طلبی کرده از کنـار این انتخابات بی‌تفـاوت بگذرند، اینجـا بازی قدرت به معنای منفی کلمه نیسـت و مصلحت قراردادن زندگی ۸۰ میلیون ایرانی در میان است.

انتقـادات فوق از ایـن مزیت برخوردار اسـت که پـس از ذکر نقد، بـر «راه‌حل» تأکید کرده اسـت. اگـر «راه‌حل» مطرح نمی‌شـد امکان گفت‌وگوی روشـنگر وجود نداشـت. در نقد فوق به مطالبات درسـتی اشـاره شـده، اما در جایگاه راه‌حل اتفاقا معتقـدم اصلاح‌طلبان برای پیگیری بهتر این مطالبات باید محکم و بدون شـرمندگی و با سربلندی از روحانـی دفاع کنند. همه می‌دانیم که انتخابـات برای جریان اصلی اصلاح‌طلبان پدیده مهمی اسـت. انتخابـات فرصتی را فراهم می‌آورد تا بحث‌های مرتبط با امـور عمومی به صورت جدی میان مردم مطرح شـوند؛ مردم راجع به نخبگان سیاسی قضاوت کنند و در نهایت تک‌تک مـردم می‌تواننـد به صحنه بیاینـد و تصمیم بگیرنـد. در ضمن از نظر اصلاح‌طلبـان انتخابـات تنها یک «بـازی صوری» نیسـت، بلکه نتایج انتخابات می‌تواند در سرنوشـت مردم تعیین‌کننده باشد (مثل انتخابات ۷۶، ۸۴، ۸۸، ۹۲ و ۹۴) و بـه نظر نمی‌رسـد انتخابـات ۹۶ از این قاعده مستثنا باشد. اگر رسانه‌های اصلاح‌طلبان را دنبال کنید، همانند دوره‌های پیش، انتخابات ۹۶ را جدی گرفته و دو هدف را دنبال می‌کنند. هدف اول اینکه «روحانی در ۹۶ با آرای بالا انتخاب شود». در دوره پیشروی راست افراطی در جهان و منطقه، پیروزی و رأی بالای روحانی به نفع «مصالح ملی کشور» است. اگرچه نارسایی در ایران هست ولی با توجه به شرایط جامعه سیاسـی ایران روحانی عملکرد سیاسـی، اقتصادی و فرهنگی خوبی داشـته اسـت؛ بنابراین اصلاح‌طلبـان از روی ناچاری از روحانی دفاع نمی‌کنند بلکه او را شایسـته این سـمت می‌دانند و اگر انتخابات در شـرایط‌دیگری هم برگزار می‌شـد باز اصلاح‌طلبان از روحانی دفاع می‌کردند. هـدف دوم اصلاح‌طلبان اسـتفاده از فرصت انتخابات برای «تقویت پایگاه مردمی» اصلاحات اسـت. تقویت این حمایت اجتماعی از امور حیاتی و متوازن‌کننده در سـال‌های حساس پیش‌رو است. هرچه اصلاح‌طلبان بتوانند مردم را بیشتر توجیه کنند و باوجود مشکلات مردم، آنها را به حضور بیشتر برای رأی‌دادن تشویق کنند، «حمایت اجتماعی» از اصلاح‌طلبـی را تقویـت کرده‌اند؛ البته کار پرزحمتی اسـت و تنها با منزه‌طلبی و شیک‌صحبت‌کردن به دست نمی‌آید.

ادامه از صفحه ۱۰

رصد دولت و جریان رقیب تا انتخابات

از سـوی دیگر دولت با مشـکلات مالی مواجه اسـت. بسیاری از پول‌هـای فروش نفت دوره گذشـته از کشـورهایی مثل هندوسـتان، کره‌جنوبـی، چیـن و... هنـوز بازنگشـته اسـت. تلاش این اسـت که ضعف‌ها و مشـکلات را به همیـن دوره دولت آقای روحانی نسـبت دهند، درحالی‌کـه می‌دانیم همین پرداخت‌ها و فیش‌ها نوعا بر مبنای مصوباتی در دولت‌های قبل اسـت. بنابراین دولـت در این قضیه باید دو مسـئله را از هـم تفکیک کند؛ نخسـت در حوزه‌ای کـه مربوط به مسـائل حزبی و رقابتی اسـت، دچار نگرانی و عکس‌العمل نشود. ما در انتخابات سال ۹۲ در آن فضای بسـته‌تر از فضای موجود توانستیم صحنه را در دسـت بگیریم. در انتخابات سـال ۹۴ مجلس هم، ملت ایران یک حرکت حزبی نشـان داد که این نقطه قوت جامعه ماسـت. باید از این اعتماد حسن استفاده را داشته باشیم. برای آسیب‌ندیدن آن باید به دولت فشار بیاوریم که تغییرات مورد نظر مردم را سریع‌تر انجام دهـد و در عمل بـه وعده‌هایش جدی‌تر و قاطع‌تر باشـد. دولت زمان کمـی دارد. آنچه باید برای دولت قابل اهمیت باشـد، رضایت اکثریت مردم اسـت. اگر صدای طبقـات مختلف کارگر، کشـاورز و فرهنگیان شـنیده نشود، صدای رقبای سیاسـی دولت بیش از حد شنیده خواهد شد و حواس دولت بیش از حد متوجه دلواپسانی خواهد بود که هرروز مسـئله‌ای می‌سـازند. این نقطه قوت آقای روحانی است که با مشی اعتدالی خود، نظر بخشـی از اصولگرایان را هم جلب کرده اسـت. از سویی چتر اصلاحات هم مرتب گسترده‌تر می‌شود و روزبه‌روز به سمت اعتدال و میانه‌روی بیشتری می‌رود. بنابراین جبهه اصلاحات بسیاری از دوستانی را که از حرکت‌های تند و افراطی نیروهای راست، آسیب دیده و رنجیده شـدند و به مصالح کلان کشـور فکر می‌کنند، جذب می‌کند. به‌عبارتی قطار اصلاحات کسـانی را سـوار می‌کند کـه اصولگرایان از قطـار خود پیـاده می‌کنند. هرچنـد در انتخابات اخیـر مجلس برای فهرسـت تهران دوسـتان انتقاداتی نسـبت به قراردادن امثال آقایان جلالی و نعمتی به ما داشـتند، اما ما فکر کردیم اگر دایره اصلاحات و اعتدال را محدود در نظر بگیریم، مجبور به حذف بسـیاری از دوسـتان خواهیم شـد که در این صورت انتخابات با چند فهرست همراه می‌شد و ممکن بود نتیجه‌ای جز شکست به‌همراه نداشته باشد. اکنون برخی اصولگرایان میانه‌رو، دولت آقای روحانی را با دوره احمدی‌نژاد مقایسه کرده و می‌بینند که از فسـادهای گسـترده و اختلاس‌های کلان آن ایام خبری نیسـت؛ فسادهایی که کسی حاضر نشد مسـئولیت آن را قبول کند و حتی یک‌بار هم که شـده به‌خاطر آن از مردم عذرخواهی نشـد. در شـرایط کنونی برای اصولگرایان هم کارکـردن با یک دولت باتدبیر مثل دولت آقای روحانی قابل قبول‌تر اسـت. این دسته از اصولگرایان هم می‌دانند از بی‌تدبیری دولت و لجام‌گسـیختگی مدیریت، کل کشور آسـیب می‌بیند و از این منظر با اصلاح‌طلبان نقاط مشـترک دارند. در ماه‌های گذشـته با برخی سران اصولگرا جلساتی برگزار شده است. ۸۰ درصد از دغدغه‌های ما با جریان اصیل اصولگرای سنتی مشترک است. به‌هرحال قریب به چهار سـال تلاش و فعالیـت دولت آقای روحانی مجال خوبی بود تا اصولگرایان منصف، مقایسه‌ای با دولت قبل داشته و میزان همراهی و هماهنگی رئیس‌جمهور با نظام، خصوصا شـخص رهبر معظم انقلاب و مسئولان عالی‌رتبه کشور را شاهد باشند. در زمان دولت اصولگرا اختلافات تا جایی پیش رفت که منجر به تشکیل شورای جدیدی برای حل اختلاف قوا از سـوی رهبری شـد. بـا روی‌کارآمدن دولت آقای روحانی این فضا تغییر یافت و به جو همکاری تبدیل شـد و خط‌کشی‌های سیاسی گذشـته به‌تدریج رنگ باخت. در نشست‌هایی که با تعدادی از مراجع عظام در قم و سـایر بزرگان و دلسـوزان کشور داشتیم و داریم، درصددیم چالش میان نیروهای معتدل جامعه کمتر و هم‌گرایی بیشـتر شـود. تمامی این موارد نافی آن نیست که از رقیب غافـل شـویم. باید همه حرکت‌هـای رقیب و اتاق فکرهایـی را که با سفرهای مختلف آنها همراه است، در نظر داشته باشیم.

ادامه از صفحه ۱۰

نگاه بازنشستگان به آخرین گام روحانی

برخـی تبعیض‌هـای موجـود موجب شده مسئولان نیز بالاخره به مشکل وقوف پیدا کنند؛ اما موضوع را فقـط به وعده و امید و مرور زمان احاله کرده‌اند.

ایراندخـت عطـاران در زمـان تصـدی صنـدوق بازنشسـتگی کشـوری از افزایـش ۵۰ درصـدی حقـوق بازنشسـتگان خبـر داد. عبدالرضـا مصـری، رئیـس وقت کمیسـیون اجتماعـی مجلس نهم (۹ اردیبهشـت ۱۳۹۴ - باشـگاه خبرنـگاران جـوان). از طـرح همسان‌سـازی حقوق بازنشستگان در صـورت تأمین اعتبار (درحالی‌که شـمار چشـمگیری از مؤسسـات خصوصـی از بودجه دولت سـود می‌برند) نوید می‌دهد. سایت تابناک از هم‌ترازی بازنشسـتگان در لایحه سـال ۱۳۹۵ گزارش می‌دهد و اخیرا اعلام می‌شـود در برنامه توسـعه ششم، ماده‌ای ناظر بر همسان‌سازی حقوق بازنشسـتگان با شـاغلان در سال ۱۳۹۶ تنفیذ شـده است. روند اجمالـی این پروسـه، خـود گویای بسـیاری مطالب و مصائب است که نیازی به تبیین و بازگشـایی بیشـتر موضوع نیسـت. با جدایی صندوق بازنشسـتگی کشـوری از سـازمان امـور اداری و اسـتخدامی کشـور، موضوع موجودیت و احقاق حقوق منصفانه و سیستماتیک بازنشستگان و ازکارافتادگان به فراموشـی سپرده شده اسـت. تکلیف و تصور سازمان بازنشسـتگی صرفا پرداخت حداقل حقـوق اسـت و هم‌وغم سـازمان امور اداری و اسـتخدامی معطوف به شـاغلان اسـت. توازن و تعادل ایـن پرداخت‌ها با یکدیگـر و درون هر سیسـتم، جایگاه و ظاهرا متولی مشـخصی ندارد. براساس اظهارات مدیرعامـل صنـدوق (خبرگـزاری فارس - دوشـنبه ششم دی‌ماه ۹۵) در سـال جـاری ۷۰۰ میلیـارد و در سـال آتی هزار میلیارد تومان علاوه بـر بودجه مصـوب بـرای افزایش حداقـل دسـتمزد (۲۵ درصـد کل بازنشسـتگان) اختصـاص می‌یابد. این به مفهوم تقسیم فقر و اجحاف مضاعـف بـه طبقـه تحصیل‌کرده و نخبـه جامعه بازنشسـتگان (۷۵ درصد مشـمولان) است که به مرور زمان، حقوق همه بازنشسـتگان، با وجود پرداخت کسورات متفاوت، به سمت‌وسـوی یک پرداخت مساوی حداقلی می‌رسـد که بـا عنایت به لحاظ‌شدن موضوع در برنامه ششم، همسان‌سـازی حقوق اسـتحقاقی بازنشسـتگان قبل از پایان دوره اول ریاسـت‌جمهوری آقای روحانی، از اهم اولویت‌های حقوق شـهروندی به شـمار می‌رود کـه به‌عنوان یک حق متقن و مسلم، این جامعه انبوه امید به تحقق آن را دارند.

بریده

شـرق: ایـن روزهـا جریـان مخالف روحانی در حال روکـردن گزینه‌هایی بـرای انتخابات سـال ۹۶ اسـت که خودشـان هم بـه آنها بـاور ندارند. آنان در این سه‌سـال‌ونیم، همه تلاش خود را کردند تا او به موفقیت نرسـد. از طرف دیگر به این نتیجه رسـیده‌اند که احتمـال بیرون‌آمدن نام نامزد آنها از صنـدوق رأی بسـیار پایین اسـت، چراکه ائتلاف اصلاح‌طلبان، میانه‌روها و اصولگرایـان معتدل در فهرسـت اعتدال، امکان بیشتری برای کسب رأی مـردم دارد. تخریـب روحانی و ایجاد مشـکلات و چالش برای دولت او نیز از دید مردم پنهان نمانده است. تلاش برای کاهش آرای روحانی در انتخابات، یکـی از احتمالات بـازی اصولگرایان اسـت؛ اما کم نیستند تحلیلگرانی که می‌گوینـد او در همـان دور اول رأی لازم را کسب خواهد کرد و این سناریو چندان به واقعیت نزدیک نیست، زیرا با وجود ائتـلاف روی آقای روحانی و داشـتن مقبولیت مردمی، گزینه‌های نه‌چندان قوی‌ای کـه از جریان مقابل تاکنون اعلام آمادگی کرده‌اند، شانسی ندارند. آنان به کسب آرای کمتر توسط روحانی چشم دوخته‌اند.

دریچه

حرف حساب انتخاباتی با مردم

محمد صادقی

۱. گفت‌وگو چنان‌که در نوشـته‌ها و گفته‌های اندیشمندان آمده است، مکالمه‌ای هدفمند برای حل مسـئله یا رفع مشـکلی نظری و عملی و کوششی است برای دستیابی به حقیقت و گامی در مسیر شناخت دیگری. در کتاب «راهی به رهایی» که مفهوم گفت‌وگو به‌خوبی توضیح داده شده و با دقت از مفاهیم دیگر (گپ‌زدن و جروبحث) تفکیک شده، می‌خوانیم: «گپ‌زدن مکالمه‌ای اسـت که مهم‌ترین خصیصه‌اش بی‌هدفی است و چون بی‌هدف است، سرسری و بدون اعتنا و دقت، پیوسته و بی‌وقفه و با سـرعت نامتناسب انجام می‌یابد... . جروبحث، البته، هدفمند است؛ ولی هدف آن اثبات برتری خود بر دیگری، از راه حمله به او و دفاع از خود برابر حملات او اسـت... . گفت‌وگو مکالمه‌ای است که در آن شرکت‌کنندگان برای رسـیدن به هدفی واحد و مشـترک که حل یا رفع مسئله یا مشکل مبتلا به همه‌شان است، به فهم و نقد سخن یکدیگر می‌پردازند. در فرایند گفت‌وگو، فهم سخن تو زمینه‌ساز نقد آن سخن از سوی من می‌شود و نقد من سـبب می‌شود که تو یا مدعای خودت را واضح‌تر کنی یا دلیل خودت را قوی‌تـر». اگر دربـاره همین چند خط کمی بیندیشـیم، نیاز به توضیح نیست که جامعه ما با جامعه‌ای گفت‌وگومحور فاصله زیادی دارد. یکی از نقص‌های بزرگ فرهنگی ما هم شـکل‌گیری فضاهای غیرگفت‌وگویی است که در همه زمینه‌ها آسیب‌زا و تنش‌آفرین است.

۲. موضـوع گفت‌وگو در عرصه سیاسـت که همواره با مسـئله‌ها و مشـکل‌هایی مواجه است و به راه‌حل‌ها و گره‌گشایی‌هایی نیاز دارد، هم بسـیار اهمیت می‌یابد. در ایران، هنگامی که ماه‌های نزدیک به انتخابات فرا می‌رسـند، سیاست‌پیشـگان از گفت‌وگو با جامعه سخن می‌گویند و فضاهای رقابتی مجال بیشـتری برای بحث و مناظره‌های سیاسی پدید مـی‌آورد. فضـای رقابتی بین گروه‌هـا و اردوگاه‌های سیاسـی، موجب می‌شـود تا مسائل، مشکلات و گرفتاری‌ها بیشتر و صریح‌تر مطرح شوند و پرسـش و پاسخ‌های سیاسـی در کنار دعواها و جروبحث‌های تندوتیز فضای سیاسی را شـکل می‌دهند؛ اما شاید کمتر خبری از گفت‌وگوهای سیاسـی در کار باشـد؛ زیرا وقتی چنیـن روحیه‌ای در ما وجـود ندارد و آموزشـی هم برای استقرار فرهنگ گفت‌وگو در کار نبوده، چنین انتظاری به طور کلی بی‌معناسـت. واقعیت این است که نیروهای سیاسی وقتی در مناظره‌هـا و بحث‌های انتخاباتی شـرکت می‌کنند، کمتر از طرح‌ها و برنامه‌های خود حرف می‌زنند؛ بلکه بیشـتر با تکیه بر چند واژه یا جمله به میدان می‌آیند که در جایگاه شـعار انتخاباتی پذیرفتنی است؛ هرچند چنین به نظر می‌رسـانند که گویی این چنـد واژه یا چند جمله برآمده از طرح‌ها، برنامه‌ها و مطالعه‌های دقیقی اسـت! شعارهایی که به‌سرعت ایجاد جذابیت کرده و به‌سـرعت هم جذابیت خود را از دست می‌دهند. به‌هرحال، در ماه‌های نزدیک به انتخابات، فضای سیاسی کشور خبرسازتر شـده و موجی از بحث‌ها و اظهارنظرهای سیاسی به راه می‌افتد. مردم نیز خبرها و رخدادهای سیاسی را بیشتر زیر نظر گرفته و همچنین فضایی می‌یابند تا خواسـته‌های خود را با صدای بلندتـری مطرح کنند. نقش رسانه‌ها و آزادی رسـانه‌ها نیز در عمق‌بخشیدن به چنین فضایی بسیار مؤثر اسـت؛ زیرا آنان اگر بتوانند خواسته‌ها و اعتراض‌ها را بازتاب دهند و به وظایف و مسـئولیت‌هایی که برای آنها در دموکراسی تعریف شده، عمل کنند، دریچه‌های گشوده‌شـده در چارچوب فعالیت‌های سیاسـی، گشوده‌تر می‌شوند. هنگامی که همه شهروندان، چه موافق، چه مخالف و با هر دیدگاه و گرایشـی بتوانند در فضایی عدالت‌محور (که جا و مجال برای شـرکت فعالانه همگان در عرصه عمومی فراهم باشد) به بحث، نقد و مناظره بپردازند، از یک سو احتمال بروز رفتارهای تند و خشمگینانه که نتیجه سـرخوردگی و ناامیدی است، بسیار کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، نظم عمومی با مشـارکت شهروندان تقویت می‌شود و زمینه برای گفت‌وگو و شنیدن سـخن یکدیگر بیشتر فراهم می‌شود. بی‌تردید آزادی پیامدهایی هم در پی دارد و این نکته عجیب‌وغریبی نیسـت که به خاطر ترس از پیامدهای آن، محدودکردن آزادی‌ها راهکار اول و آخر شـمرده شـود؛ زیرا با آزادی بیشتر می‌توان بسـیاری از نگرانی‌ها و دلواپسی‌ها را به‌تدریج پشـت سر گذاشت. براساس‌این وقتی از آزادی سخن می‌گوییم، باید آزادی را در معنای کامل آن در نظر داشته باشیم؛ یعنی آزادی همه گروه‌ها، نگرش‌ها، گرایش‌ها و... که این موجب می‌شود فضا برای همگان فراهم باشـد. وقتی فضا بـرای همگان فراهم باشـد و عرصه عمومی شادابی یابد، از میزان تنش، درگیری و خشونت هم کاسته خواهد شد.

۳. شـوربختانه مرزبندی‌هـا و فاصله‌گذاری‌ها در جامعه ما بسـیار پررنگ اسـت و البته فضای سیاسـی را هم در بر می‌گیـرد. برای نمونه گاهی از تقسـیم‌بندی شهروندان سـخن به میان می‌آید که خود مانعی بـزرگ برای ایجاد فضایی گفت‌وگویی اسـت. فضای گفت‌وگویی زمانی شـکل می‌گیرد کـه اصل برابری رعایت شـود و حقوق شـهروندان به بهانـه تفاوت‌هایی که در نگرش، باور، سـلیقه و... دارنـد، نادیده گرفته نشـود. در نظر داشته باشیم که شـادابی فضای سیاسی با میزان آزادی سـنجیده می‌شـود و آنچه این شـادابی را افزایش و گسترش می‌دهد، ایجاد زمینه‌هایی برای گفت‌وگو است. در بیشتر رقابت‌های انتخاباتی در ایـران، ما با موجی از بی‌اخلاقی‌ها و بدرفتاری‌ها مواجه هسـتیم که در تهمت‌زدن‌ها، فحش‌دادن‌ها، دروغ‌گویی‌ها و... به اوج می‌رسد و در عمل جایی و فضایی برای گفت‌وگو باقی نمی‌گذارد؛ درحالی‌که کشور نزدیک به چهار دهه اسـت که بیش از هر چیزی با تکیه بر شعارهای اخلاقی و معنوی اداره می‌شـود. شوربختانه جایگاه اخلاق در مناظره‌ها، رقابت‌ها و بحث‌های سیاسی بسیار ضعیف است و حمله به دیگری، ناسزاگویی، داد و فریاد و گونه‌های مختلف رفتارهای خشـن به جای استدلال‌گرایی نشسته اسـت. همچنان که وارد فضای رقابت‌های انتخاباتی می‌شویم، انتظار مردم این است که گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در گفت‌وگوهایی که میان خود و با مردم دارند، با تکیه بر طرح‌ها، برنامه‌ها و از همه مهم‌تر با ارائه کارنامه‌های سیاسی خود سخن بگویند.

به نظر می‌رسـد شـفاف‌ترکردن این موضوع‌ها غیـر از اینکه مجال کمتری برای جروبحث‌ها، دعواها و «پرداختن به شِبه مسائل» می‌گشاید، زمینه بداخلاقی‌های سیاسـی را هم کاهش می‌دهد. شـادابی سیاسی بدون مشـارکت عمومی (و نه فقط در روز انتخابات) امکان‌پذیر نیست و آنچه مشـارکت را افزایش می‌دهد، فضای باز و آزادی اسـت که همه بتوانند از حق آمدن به صحنه سیاسی برخوردار باشند و همچنین بتوانند فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود را در چارچوب انجمن‌ها، نهادها و حزب‌ها شکل داده و عمق ببخشند. فضای رقابت‌های انتخاباتی که گویای چند و چون فضای سیاسـی هر کشـوری است، هرچه بازتر و گشـوده‌تر باشد و به سمت گشودگی بیشـتر پیش برود، شادابی سیاسی بیشـتری را نیز به ارمغان خواهد آورد؛ اما در زمان پیش‌رو آنچه اهمیت دارد، چگونگی سخن‌گفتن با مردمی است که با وجود مشکلات در انتظار چند کلمه حرف حساب هستند و آینده‌ای بهتر.